

## بررسی جایگاه دولت آل‌عیون و نقش آن در گسترش تشیع در بحرین

سید محمود سامانی\* / محمد زاهدی مقدم\*\* / داریوش زاهدی مقدم\*\*\*

### چکیده

در بحرین قدیم، تشیع قدمتی دیرینه دارد و از اواخر قرن سوم هجری به بعد شاهد شکل‌گیری دولت‌های مختلف شیعی بوده که از میان آنها، آل‌عیون از حیث دیرپایی و تأثیرگذاری در گسترش شیعه اهمیت بیشتری داشته است. در این تحقیق ضمن نمایاندن جایگاه دولت شیعی آل‌عیون در بحرین، نقش آنان در گسترش تشیع مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیق حاکی از ریشه‌دار بودن تشیع در آن سرزمین است. زمینه‌ها و عواملی از قرن نخست هجری موجب توسعه تشیع در بحرین بوده و با ضعف عباسیان، شیعیان این منطقه موفق به تشکیل دولت شدند. ساخت مکان‌های مذهبی مثل مساجد و مدارس، تربیت علما دینی و آثار علمی آنان، وجود شاعران دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام، ارتباط آل‌عیون و اندیشوران بحرینی با کانون‌های علمی و مقدس در عراق و ضرب سکه به نام اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان از جمله محورهای مهم فعالیت این دولت برای گسترش تشیع دانست. شیوه پژوهش در این نوشتار، توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

### واژگان کلیدی

تشیع، بحرین، آل‌عیون، مساجد، شعراء، ضرب سکه.

\*. دکترای مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی و مدرس دانشگاه معارف اسلامی.

mahmud.samani@gmail.com

\*\* دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن

mzahedi4642@gmail.com

اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

darioushzahedi@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری عرفان اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۹

## طرح مسئله

بحرین تاریخی یا قدیم به منطقه‌ای وسیع و مهم از شرق جزیره العرب اطلاق می‌شود که از شمال به بصره، از جنوب به عمان، از شرق به خلیج فارس و از غرب به یمامه و صحاری دهناء و رمل بیرین محدود بوده است. این سرزمین وسیع، کشورهای کوچک امروزی حاشیه جنوبی خلیج فارس (کویت، بحرین، امارات و قطر) و نیز مناطقی مانند «قطیف» و «احساء» در عربستان امروزی را شامل می‌شد.<sup>۱</sup> بزرگ‌ترین و معروف‌ترین بخش بحرین، «هَجَر» بود که در حدود دوازده فرسخی ساحل قرار داشت. گاه نیز مقصود از هَجَر، تمام سرزمین بحرین بود.<sup>۲</sup> در واقع بحرین امروزی، بخش کوچکی از این سرزمین وسیع است که در گذشته آن را «أوال» می‌خواندند.<sup>۳</sup>

بحرین در سال هشتم هجرت و در پی دعوت رسول الله ﷺ از مردم آن برای پذیرش اسلام، در محدوده قلمرو اسلامی قرار گرفت و از همان زمان نیز برخی کارگزاران محب اهل بیت در این سرزمین بذر تشیع را پاشیدند. با خلافت امام علی علیه السلام آن حضرت، عمر بن ابی سلمه فرزند ام سلمه همسر رسول الله ﷺ را که همانند مادرش از محبان اهل بیت بود، به کارگزاری بحرین گماشت.<sup>۴</sup> افزون بر آنکه قبیله عبدالقیس به‌عنوان ساکنان بحرین گرایش‌های شیعی داشتند، از میان آنان نیز افراد شاخصی در زمره حامیان و فرماندهان لشکر امیرمؤمنان علیه السلام قرار گرفتند. صعصعة بن صوحان از آن جمله است که در جنگ صفین فرماندهی عبدالقیس را برعهده داشت.<sup>۵</sup> وی در حکومت معاویه (۶۰ - ۴۱) به بحرین تبعید شد و در همانجا درگذشت.<sup>۶</sup> حکیم بن جبلة عبیدی، حارث بن مره عبیدی و رشید هَجَری از دیگر یاران بحرینی آن حضرت بودند.<sup>۷</sup> بنابراین تشیع به صورت رسمی و شناخته‌شده، از دوره زمامداری علی علیه السلام در بحرین شکل گرفت؛<sup>۸</sup> چنان که برخی شیعه‌پژوهان بر این عقیده‌اند که منشأ تشیع در بحرین به دوران خلافت امام علی علیه السلام بازمی‌گردد.<sup>۹</sup> بنابراین تشیع در بحرین سابقه‌ای به قدمت اسلام دارد؛ تا جایی که آغاز ظهور

۱. بنگرید به: مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۹۶ - ۹۴؛ حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۴۷.

۲. همان، ج ۵، ص ۳۹۳؛ مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۹۳.

۳. حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۷۴.

۴. بلاذری، أنساب الأشراف، ص ۱۵۸؛ امین، دائرة المعارف الإسلامية الشیعة، ج ۷، ص ۴۰۶؛ امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۲۶.

۵. مدیرس، الدولة العیونیه، ص ۱۷۹؛ بحرانی، انوار البدرین، ص ۶۳.

۶. همان، ص ۶۸.

۷. اسلامی، «خاستگاه تشیع در بحرین»، هفت آسمان، ش ۲.

۸. همان.

۹. همان؛ امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۲۶؛ گلی زواره، «جوانه‌های تشیع در بحرین»، فلسفه و کلام، ش ۶۱۳.

آن را می‌توان به عصر رسول الله ﷺ بازگرداند که آن حضرت، ابان بن سعید بن العاص را - که از علاقه‌مندان به حضرت علی علیه السلام بود - به کارگزاری آنجا گماشت.<sup>۱</sup>

وجود شیعیان در بحرین سبب شد که از سده چهارم هجری تا حدود دو سده پیش چند سلسله حکومت‌های شیعی پی‌درپی در بحرین به قدرت برسند. از میان آنها دولت آل عیون حدود ۱۷۰ سال دوام آورد و حاکمان آن توانستند به تبلیغ معارف اهل بیت علیهم السلام و گسترش تشیع بپردازند. این مقال در پاسخ به این پرسش سامان یافته است که دولت شیعی آل عیون از چه جایگاهی برخوردار بوده و نقش آن در گسترش تشیع در بحرین چه بوده است؟ فرضیه مقاله آن است که آل عیون به‌عنوان دولتی مستقل، با انجام اقدامات زیرساختی در گسترش تشیع نقش اساسی داشته است. در این مقاله نخست از ادوار حکومت آل عیون سخن گفته شده و آنگاه نقش این دولت در گسترش تشیع در بحرین مورد واکاوی قرار گرفته است.

### ادوار حکومت آل عیون (۶۴۲ - ۴۶۶ ق)

دولت عیونی‌ها به چهار دوره تقسیم می‌شود: تأسیس و اقتدار (۵۸۳ - ۴۶۹)، دوره ضعف و انحطاط (۵۳۸ - ۵۸۷)، دوره تلاش برای رشد و شکوفایی (۶۰۵ - ۵۸۷) و دوره انحطاط و افول کامل (۶۳۶ - ۶۰۵). در ادامه به هر یک می‌پردازیم.

#### الف) دوره تأسیس و اقتدار

مؤسس دولت آل عیون، عبدالله بن علی عیونی (۵۲۰ ق) است که نسبش به قبیله عبدالقیس از قبایل عدناتی می‌رسد.<sup>۲</sup> نام‌گذاری این دولت به عیونی گویا از آن‌روست که در زادگاه آل عیون در شمال احساء چشمه‌های فراوانی وجود داشته است.<sup>۳</sup> در این دوره به ترتیب عبدالله بن علی و فرزند بزرگش فضل و همچنین ابی‌سنان پسر فضل به حکومت پرداختند. آنان امیرانی هستند که به کرم و شجاعت توصیف شده‌اند.<sup>۴</sup> این دوره از حکومت به شکوفایی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و علمی در همه نقاط بحرین قدیم شهرت دارد. در اینجا به‌احمال به امیران این دوره پرداخته می‌شود.

۱. بحرانی، انوار البدرین فی تراجم علما القطیف و الاحساء و البحرین، ص ۲۷؛ صدر، دائرة المعارف التشیع، ج ۷، ص ۴۰۶؛

امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، ج ۳، ص ۱۱۸، ذیل مدخل «بحرین»؛ مدیرس، الدولة العیونیه، ص ۱۷۹.

۲. زرکلی، الاعلام، ج ۴، ص ۱۰۵؛ عماری، ابن مقرب و تاریخ الامارة العیونیه فی بلاد البحرین، ص ۴۹ - ۴۸؛ آل‌ملا،

تاریخ الاماره العیونیه، ص ۳۰؛ محمود خلیل، آل‌ابراهیم العیونیین فی بلاد البحرین، ص ۴۹.

۳. همان؛ حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۸۱.

۴. شرعان، النقود الدولة العیونیه، ص ۶۷.

### ۱. عبدالله عیونی (حک ۵۲۰ - ۴۷۰ ق)

او برای پایان بخشیدن به استیلای بقایای قرمطیان (۴۶۶ - ۲۸۶ ق)<sup>۱</sup> بر منطقه احساء، به ملک‌شاه سلجوقی متوسل شد که نتیجه آن لشکرکشی ارتق (از فرماندهان سلجوقی) به شرق جزیره‌العرب در سال ۴۶۹ ق و نابودی بقایای قرمطیان بود.<sup>۲</sup> به دنبال آن عبدالله عیونی توانست بر بحرین و از جمله جزیره اُوال (بحرین کنونی) چیره شود. بدین‌سان در سال ۴۷۰ ق پایه حکومتی شیعی در بحرین نهاده شد که حدود ۱۷۰ سال دوام آورد و در این مدت دوازده نفر به امارت پرداختند.<sup>۳</sup> عبدالله شهرهای بزرگ بحرین را متحد کرد و همه را تحت حکومت مرکزی درآورد.<sup>۴</sup> او خود در احساء به‌عنوان مرکز حکومت مستقر شد و برخی از فرزندان خود را بر مناطق مختلف به‌عنوان حاکم و امیر منصوب کرد؛ چنان‌که یکی از پسرانش به نام فضل را امیر قطیف، و یکی را امیر اُوال قرار داد. همچنین او سلطان بن داوود را بر منطقه‌ای بین احساء و بصره گمارد که اهمیت استراتژیکی و اقتصادی داشت. براساس گزارشی، همه امور حکومت در مناطق امیرنشین بحرین، با هماهنگی عبدالله و زیر نظر حکومت مرکزی انجام می‌گرفت.<sup>۵</sup> این سخن بیانگر آن است که دولت آل‌عیون دولتی فراتر از قبیله‌ای یا عشایری بوده؛ دولتی مستقل، قدرتمند و صاحب نفوذ فراوان در بین قبایل - اعم از محلی و جز آن - که از جنوب بصره تا شمال عمان و از شهرهای غربی بحرین تا سواحل خلیج فارس امتداد داشته است.<sup>۶</sup>

با اقدامات عبدالله عیونی، در همه شهرهای بحرین اتحاد و اصلاح برقرار شد و او برای هر اقلیمی یک امیر مورد اطمینان قرار داد و تشکلاتی اداری را سازمان‌دهی کرد. در این دوران که امنیت و ثبات در جای جای بحرین حکم‌فرما بود، قافله‌های تجاری فراوانی در حال رفت‌وآمد بودند که ثمره آن، ایجاد رونق اقتصادی برای بحرین شد. این ویژگی‌ها به‌صراحت در دیوان و شروح ابن‌مقرب بیان شده است.<sup>۷</sup> بر همین اساس حکومت عبدالله در حدود نیم‌قرن در بحرین، یکی از بهترین دوران دولت عیونی معرفی شده است.<sup>۸</sup>

۱. قرمطیان از شیعیان اسماعیلیه بودند.

۲. آل‌ملا، تاریخ الاماره العیونیه، ص ۴۴.

۳. بنگرید به: همان، ص ۵۲ - ۴۶؛ زرکلی، الاعلام، ج ۴، ص ۱۰۵؛ انصاری احسائی، تحفة المستفید، ج ۱، ص ۱۰۲ - ۱۰۰؛ موسوی بجنوردی، دائرةالمعارف اسلامی، ج ۱۱، ص ۴۰۶.

۴. بنگرید به: عماری، ابن‌مقرب و تاریخ الامارة العیونیه فی بلاد البحرین، ص ۴۹ - ۴۶؛ شرعان، النقود الدولة العیونیه، ص ۵۵ - ۵۴.

۵. محمود خلیل، آل‌ابراهیم العیونین فی بلاد البحرین، ص ۱۱۲.

۶. همان، ص ۱۱۳؛ مدیرس، دولت العیونیه، ص ۱۰۶ - ۱۰۵.

۷. بنگرید به: محمود خلیل، آل‌ابراهیم العیونین فی بلاد البحرین، ص ۱۱۲ - ۱۱۱.

۸. همان، ص ۱۱۳.

## ۲. فضل بن عبدالله عیونی (حک ۵۲۰ - ۵۰۶)

پس از مرگ عبدالله عیونی، فرزند بزرگش فضل که فردی شجاع، با اخلاق و کریم دانسته شده، به جای او نشست و بر تمام شهرهای بحرین حکومت کرد.<sup>۱</sup> البته او برخلاف پدرش جای مشخصی را برای پایتخت در نظر نگرفت و هر از چندی یک جا را به عنوان مرکزیت سیاسی انتخاب می کرد. قطیف، اوال و احساء به ترتیب مراکز سیاسی او بودند.<sup>۲</sup> او به همه جای بحرین حتی به روستاها بدون هماهنگی قبلی و به صورت سرزده وارد می شد و از وضعیت مردم پرس و جو می کرد. نفوذ درخور توجه او در بین قبایل باعث شده بود تا امنیت بسیار بالایی در تمام مناطق بحرین برقرار، و از ورود دشمنان خارجی جلوگیری شود. وی در مناطق مختلف بحرین همچون قطیف، اوال و احساء نظم خاصی به ادارات حکومتی بخشید.<sup>۳</sup> در زمان وی اوال (بحرین کنونی) نه تنها مرکز تجارت شرق، بلکه از مهم ترین جزایر اقتصادی در حوزه خلیج فارس به شمار می آمد.<sup>۴</sup>

## ۳. ابی سنان محمد بن فضل (حک ۵۳۸ - ۵۲۰)

بعد از فضل پسرش ابی سنان محمد عیونی در قطیف به حکومت رسید. در دوران وی نیز بحرین از امنیت بالایی برخوردار بود. در سایه چنین زیرساختی و با برقراری امنیت در راهها، تجارت گسترش یافت و برای آسایش تجار، استراحتگاههایی در نظر گرفته شد.<sup>۵</sup> بدین ترتیب رونق اقتصادی و سیاسی صورت گرفت.<sup>۶</sup> در وصف ابی سنان، وی را با تعبیر «شجاعاً جواداً کریماً محباً للشعر والشعراء و اکرام اهل الادب ...» ستوده اند.<sup>۷</sup> از مهم ترین ویژگی های عصر ابی سنان، نفوذ او در بین قبایل و حضور ادبا و شاعران فراوان در دربار آل عیون است که شعرهایی در وصف امیران عیونی می سرودند و جوایز فراوانی می گرفتند.<sup>۸</sup> حضور فراوان شاعران در دربار عیونی حاکی از نوعی نشاط علمی و فرهنگی و بیانگر علاقه حاکمان عیونی به شعر و ادب و علم بوده است. سرانجام این امیر عیونی در سال ۵۳۸ ق به علت دشمنی عمویش با وی، به همراه برادرش به احساء حمله کرد، اما به دلیل دو

۱. همان، ص ۱۲۲؛ عماری، ابن مقرب و تاریخ العیونیه فی بلاد البحرین، ص ۴۹ - ۴۸.

۲. شرعان، نقود الدولة العیونیه، ص ۵۵.

۳. بنگرید به: محمود خلیل، آل ابراهیم العیونیین فی بلاد البحرین، ص ۱۲۲ - ۱۱۸.

۴. همان، ص ۱۲۲.

۵. مدیرس، الدولة العیونیه، ص ۱۲۴.

۶. شرعان، نقود الدولة العیونیه، ص ۵۹.

۷. مدیرس، الدولة العیونیه، ص ۱۲۹.

۸. همان، ص ۱۲۹ - ۱۰۸؛ شرعان، نقود الدولة العیونیه، ص ۶۰ - ۵۹.

دستگی میان لشکریانش و تردید آنان در حق بودن عمومی ایشان یا ابی‌سنان و همچنین به سبب همکاری قبایل و بزرگان قبایل احساء و قبیله زعیم بنی عامر با عمومی ایشان، هر دو کشته شدند و سپس جنازه آنها به قطیف انتقال داده شد.<sup>۱</sup>

### ب) دوره ضعف دولت عیونی و دوره شکوفایی دوباره آن

بعد از ابی‌سنان دولت عیونی به علت اختلافات داخلی خانوادگی بر سر تقسیم قدرت، رو به سقوط و انحطاط پیش رفت. در این دوره که حدود نیم قرن به طول انجامید، وضعیت در بحرین دچار آشفتگی بود و آل عیون نیز اقتدار لازم را نداشتند، اما با ظهور عماد الدین محمد بن ابی‌سنان (حک ۶۰۵ - ۵۸۷ ق)، این دولت دوباره جان تازه‌ای گرفت. او توانست به اختلافات داخلی خاندان عیونی پایان دهد و میانشان اتحاد برقرار سازد. در این راستا افراد بانفوذ خانواده عیونی که باعث این اختلافات شده بودند، اخراج شدند که امیر قطیف عبدالله بن منصور از آن جمله است. در ادامه، ملحق کردن جزیره اوال به قطیف و استیلای کامل بر احساء در سال ۵۹۹ ق و چیرگی بر تمام بلاد بحرین، هیمنه و قدرت دولت عیونی را بازگرداند. آنان در این دوران، افزون بر تسلط کامل بر قلمرو خود، در مناطق هم‌جوار بحرین نیز نفوذ یافتند. آنها خصومت و دشمنی بنی‌عامر را با تدبیر، به دوستی بدل کردند و امنیت شهرها و جاده‌هایی را که محل تردد حاجیان و ازدحام تجار برای دادوستد کالا بود، تأمین نمودند.<sup>۲</sup> حکومت عمادالدین محمد عیونی که یکی از عصرهای طلایی برای حکومت عیونی‌ها محسوب می‌شود، هجده سال استمرار داشت. سرانجام محمد در سال ۶۰۵ ق به دست یکی از خاندان عیونی به قتل رسید.<sup>۳</sup>

### ج) دوران انحطاط و فروپاشی

با قتل محمد ابی‌سنان، بار دیگر تفرقه و ضعف بر ارکان امارت عیونی مستولی شد و نزاع با حاکمان جزیره کیش که قصد داشتند جزیره بحرین را به قلمرو خود درآورند، بر پریشانی اوضاع افزود؛ چندان که سرانجام در اواخر دوره عیونی، اهالی بحرین به حاکمان کیش خراج می‌پرداختند.<sup>۴</sup> در سال ۶۲۸ ق ابوبکر سعد زنگی به منطقه خلیج فارس لشکر کشید و سرانجام در ذی‌حجه ۶۳۶ به حکومت واپسین

۱. همان، ص ۶۰؛ عماری، ابن‌مقرب و تاریخ دولة العیونیه فی بلاد البحرین، ص ۵۱؛ محمود خلیل، آل‌ابراهیم العیونیین فی بلاد البحرین، ص ۱۳۴.

۲. شرعان، نقود الدولة العیونیه فی بلاد البحرین، ص ۷۱ - ۶۸.

۳. همان، ص ۷۳؛ عماری، ابن‌مقرب و تاریخ دولة العیونیه، ص ۶۳.

۴. ایمن بن سعد النفجان، من اخبار شرق الجزيرة العربية، ص ۴۲.

امیر عیونی، محمد بن ابی‌ماجد - که قصد داشت بار دیگر پایه حکومت این خاندان را مستحکم گرداند - پایان داد و بحرین را همراه دیگر مناطق آن ناحیه به خاک فارس ضمیمه ساخت.<sup>۱</sup>

در عصر عیونی نشاط تجاری - اقتصادی در شهرهای مختلف بحرین وجود داشت. افزون بر کشاورزی در جاهای مختلف بحرین، برخی با صید لؤلؤ و مرجان و ماهی امزار معاش می‌کردند. تجارت لؤلؤ در آن عصر از رونق بسیار مهمی برخوردار بوده است. امیران عیونی از جهت اقتصادی و سیاسی، در روابط خارجی با شهرها و قبایل و همسایگان خارجی تأثیر بسزایی داشتند.<sup>۲</sup> در عهد عیونی تجار عراقی، مصری و شامی در شهرهای بحرین دائماً برای خرید لؤلؤ و اسب‌های اصیل در رفت‌وآمد بودند. برخی روایت می‌کنند که در زمان فضل روابط اقتصادی - تجاری در سطح بسیار بالایی بوده؛ تا جایی که کشتی بزرگی در یکی از این سفرها با کالاهای زیادی غرق شد.<sup>۳</sup> آنها ماهی‌های مختلف را صید و به هند و شهر عدن در یمن صادر می‌کردند.<sup>۴</sup> این نشاط تجاری در شهرهای مختلف بحرین وجود داشت و مردم با فروش انواع خرما، گندم، جو، حبوبات، لباس ابریشم، لباس‌های زمستانی و ... امزار معاش می‌کردند.<sup>۵</sup> افزون بر این، آنان به کشت موز، انار، زیتون سفید، کشمش، گلابی، لیمو، گردو و پنبه نیز می‌پرداختند و از همین‌رو باغ‌های فراوانی داشتند.<sup>۶</sup> این قراین نشان می‌دهد که دولت عیونی بسیار قدرتمند و دارای ساخت و ساز اداری و تجارت در سطح بالایی بوده است.

### روابط خارجی حکومت عیونی با همسایگان

از آنجاکه حکومت عصر عیونی، با تشکیل حکومت‌های نیمه مستقل محلی در جزایر اطراف مقارن بوده، روابط بین دولت‌های همسایه تأثیرات فراوانی در رشد رونق اقتصادی داشته است. به برخی از این روابط و تأثیرات آن اشاره می‌کنیم.

#### الف) رابطه آل‌عیون با خلافت عباسی

رابطه عیونی‌ها با خلافت عباسی در ابتدا برای اخراج قرامطه در زمان عبدالله برقرار بود و قرار شد به

۱. موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۴۰۶؛ شرعان، نقود الدولة العیونیه فی بلاد البحرین، ص ۷۴.

۲. مدیرس، الدولة العیونیه، ص ۱۷۳.

۳. همان، ص ۱۶۸.

۴. همان، ص ۱۷۰ - ۱۶۹.

۵. همان، ص ۱۷۰.

۶. همان، ص ۱۷۱.

اسم خلفای عباسی در بالای منابر خطبه بخوانند و برای خلیفه دعا کنند و به دولت بغداد مالیات بدهند<sup>۱</sup> ولی عبدالله عیونی بعد از مدتی، اطاعت از خلافت عباسی را گناه شمرد و از خضوع در مقابل خلیفه عباسی امتناع کرد. وی در احساء استقلال از خلافت عباسی را اعلام نمود و رسماً بر بالای منابر احساء، مذهب شیعی را مذهب رسمی دولت عیونی خواند و دعوت خود را به مردم اعلان کرد.<sup>۲</sup> این دشمنی تا دوران محمد بن ابی‌الحسین ادامه داشت و محمد برای حفظ امنیت و سلامت منطقه جنوب عراق و به‌خصوص راه‌هایی که حاجیان و تاجران از آن می‌گذشتند، این رابطه را دوباره برقرار کرد. از همین رو در این دوران به‌خاطر کارهای مهمی که انجام می‌گرفت، همچون امنیت راه‌ها هر سال مبالغ مالی‌های به دربار آل‌عیون داده می‌شد و تجارت لباس ابریشم و حمل هزاران بار تجاری حبوبات به عراق و بصره صورت می‌گرفت. این رابطه بعد از امیری محمد تا آخر حکومت عیونی‌ها، دیگر برقرار نشد.<sup>۳</sup>

#### ب) رابطه عیونی‌ها با جزیره قیس (کیش) و هرمز

جزیره قیس از آن‌رو که یکی از شاهراه‌های اقتصادی بوده و از سویی حاکم آن، نفوذ زیادی بر سواحل خلیج فارس داشته، یکی از مهم‌ترین جزایر آن عصر محسوب می‌شد.<sup>۴</sup> هنگامی که آل‌عیون به جزیره اوال (بحرین کنونی) توجه جدی نشان دادند و نفوذ زیادی در آن جزیره به دست آوردند، آن منطقه از مهم‌ترین مراکز تجاری در خلیج فارس گردید. از این‌رو، رابطه بین آل‌عیون و حاکمان قیس وارد مرحله تازه‌ای شد. پس از مدتی در زمان امارت حسن عیونی، حاکم جزیره قیس به نزدیکی جزیره اوال حمله کرد و با شکست امیر عیونی، روابط این دو امیرنشین قطع شد<sup>۵</sup> و در اواخر دوره عیونی، اهالی بحرین خراج‌گزار حاکمان کیش شدند.<sup>۶</sup>

#### ج) رابطه با امرای ربیعیه

امرای ربیعیه از بزرگان عرب بودند و نفوذ زیادی در شهرهای شام، عراق و بصره داشتند. آنان با دولت

۱. همان، ص ۸۷ - ۸۶؛ محمود خلیل، آل‌ابراهیم العیونین، ص ۲۶۹.

۲. همان، ص ۲۷۰.

۳. همان، ص ۲۷۱.

۴. همان، ص ۲۷۳.

۵. همان، ص ۲۷۵ - ۲۷۳؛ انصاری، تحفة المستفید، ج ۱، ص ۱۰۱؛ موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی،

ج ۱۱، ص ۴۰۶.

۶. همان.



عیونی در زمان ابوسنان محمد عیونی که حاکم مقتدر بحرین بود، دارای رابطه دوستانه و محکمی بودند؛ چندان که شاعران فراوانی از شام به دربار دولت عیونی برای ابراز دوستی خود رفت و آمد می کردند. حسام الدوله امیر شام از آن جمله است که به شهرهای بحرین تردد داشت و با ابی سنان برای رواج تجارت بین دو منطقه گفتگو کرد.<sup>۱</sup>

ابوسنان قدرت و هیبت حکومت را با متحد کردن شهرهای بحرین تحت دولت مرکزی، دوباره احیا کرد. آنقدر نفوذ او زیاد شد که با برقراری رابطه با خلفای بنی عباس (ناصر لدین الله) در قبال تأمین امنیت راه‌های عراق برای قافله‌هایی که از آنجا می‌گذرد، تجارت حمل هزاران بار شتر از حبوبات به سوی بصره و تجارت ۲۲۰۰ لباس مصری به بغداد را گرفت. از همین رو می‌توان این عصر را عصر طلایی دوران دولت عیونی خواند. در این دوران امرای ربیعه بارها به قافله‌های تجاری حمله کردند تا امنیت را بر هم بزنند و هیمنه آل عیون را از بین ببرند، ولی محمد، امیر عیونی بارها آنها را شکست داد و دوباره آنها را در زیر سیطره دولت عیونی درآورد.<sup>۲</sup>

البته این روابط در برهه‌هایی دچار تیرگی شد که قتل ابی سنان و تشدید اختلافات بین خانواده عیونی از علل آن بود. از روابط آل عیون با دولت فاطمیان اسماعیلی مذهب در مصر اطلاعی در دست نیست.

### نقش دولت عیونی در گسترش تشیع

مطابق داده‌های تاریخی، دوران نسبتاً طولانی حکومت آل عیون، دوران غلبه مطلق تشیع در بحرین بود؛ تا جایی که یاقوت حموی در قرن ششم تصریح می‌کند که تمامی ساکنان بحرین شیعه هستند و اگر غیرشیعی یافت شود، غریبه است.<sup>۳</sup> همچنین در سفرنامه ناصر خسرو آمده است: تمام دیار بحرین از علویین صاحب شوکت بودند که در اقامه و اذان «محمد و علی خیر البشر و حی علی خیر العمل» را به کار می‌بردند.<sup>۴</sup> در این زمان بر روی تمام سکه‌های به جا مانده، به‌طور معمول عبارت «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» و «علی ولی الله» حک شده است.<sup>۵</sup> افزون بر این، دیوان‌های بر جا مانده از اهل آل عیون نیز نشان می‌دهد که فضای حاکم بر بحرین شیعی بوده و نام بیشتر حاکمان این دولت علی

۱. بنگرید به: محمود خلیل، *آل ابراهیم العیونیین*، ص ۲۶۵ - ۲۶۳.

۲. همان، ص ۲۶۸ - ۲۶۵.

۳. حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۱۵۰؛ جعفریان، *اطلس شیعه*، ص ۴۳۹.

۴. ناصر خسرو، *سفرنامه*، ص ۱۴۲.

۵. جعفریان، *اطلس شیعه*، ص ۴۳۷؛ شرعان، *نفود الدولة العیونیه فی بلاد البحرین*، ص ۹۵ و ۱۴۳.

بوده است.<sup>۱</sup> ابن مجاور ابوالفتح یوسف بن حسین (۶۹۰ ق) در قرن هفتم در سفر به اوال (جزیره بحرین) تمام اهل بحرین را شیعه امامیه دانسته است.<sup>۲</sup> ابن بطوطه نیز که حدود یک قرن بعد از سقوط آل عیون به قطیف بحرین رفته بود، می‌گوید: «تمام اهل بحرین، رافضیه (شیعه) بودند. مؤذن آنها بعد از شهادتین در اذان «اشهد ان علیاً ولی الله» می‌گفتند و بعد از حی علی الفلاح و حی علی الصلاة، حی علی خیر العمل را اضافه می‌کردند.»<sup>۳</sup> این نشان از تبلیغ و فعالیت‌های فراوان دولت عیونی برای گسترش تشیع در بحرین بوده است. شایان ذکر است که تشیع آل عیون از نوع امامی بوده است.<sup>۴</sup> عمدتاً تأثیر حکومت آل عیون در گسترش و تقویت شیعه در چند امر خلاصه می‌شود که در پی می‌آید.

### الف) حمایت از علمای دینی

تربیت اندیشوران و تأثیرگذاران عرصه دین و اخلاق، از زیرساخت‌های توسعه فرهنگ است. در طول حکومت آل عیون به تدریج یک تحول مهم فرهنگی - مذهبی صورت گرفت؛ به گونه‌ای که از اواخر قرن ششم عالمان فرهیخته بحرانی را در مراکز علمی شیعه در عراق حاضر می‌یابیم. برخی از آنان چندان پایه رفیعی در دانش شیعی به دست آوردند که در شمار شخصیت‌های بنام جهان اسلام قرار گرفتند. آل عیون با حمایت از علمای شیعی، ادبیات نظری و وجوه عملی مورد نیاز فرهنگ و تمدن شیعی را توسعه دادند. در نتیجه مساعی آنان، بحرین مأمن و محل پرورش عالمان و محققانی شد که آثار فاخری در زمینه تشیع تولید کردند. یکی از این آثار، شرح کبیر نهج البلاغه به قلم کمال‌الدین میثم فرزند علی بن میثم بحرانی است. بی‌تردید اگر فضای بحرین برای علمای شیعی مساعد نبود، این سرزمین شاهد وجود اندیشوران مذهب جعفری نمی‌بود. از جمله آنان می‌توان به این افراد اشاره کرد:

**ابن شریف اکمل بحرانی:** میر شریف فرزند سید شریف اکمل بحرانی نخستین شخصیت علمی، فقهی و حدیثی بزرگ شیعی در قرن پنجم هجری است. وی از شاگردان محمد بصروی است که در نشر آثار متقدمان امامیه اهتمام ورزید.<sup>۵</sup> ایشان از سید مرتضی علم الهدی حدیث روایت کرده است. ذکر لقب شریف برای وی نیز بیانگر آن است که از سادات علوی محسوب می‌شود.<sup>۶</sup> برخی او را در

۱. همان، ص ۱۷۳؛ جعفریان، اطلس شیعه، ص ۴۳۷.

۲. ابن مجاور، تاریخ المستبصر، ص ۶۸.

۳. مدیرس، الدولة العیونیه، ص ۱۸۲.

۴. جعفریان، اطلس شیعه، ص ۴۲۶.

۵. حر عاملی، امل الآمل، ج ۲، ص ۱۳۲؛ بحرانی، انوار البدرین، ص ۵۸؛ صدر، دائرة المعارف التشیع، ج ۴، ص ۱۰۴.

۶. همان؛ بحرانی، انوار البدرین، ص ۵۸.

زمره سلسله طبقات و روایات شیعه به‌شمار آورده‌اند.<sup>۱</sup>

شیخ راشد بحرانی (۶۰۵ ق): نصیرالدین شیخ راشد بن ابراهیم بحرانی، لغوی بزرگ، فقیه، متکلم و ادیب مبرز، دیگر عالم فاضل در این دوران است که در ترویج فقه و فقهت و علم کلام مؤثر بوده است. ایشان راوی حدیث از سید فضل‌الله راوندی (۵۶۳ ق) است.<sup>۲</sup> از ولادت و مصنفات شیخ راشد اطلاعاتی در دست نیست.<sup>۳</sup> تنها اثر باقیمانده از وی، در احوال اهل بیت علیهم‌السلام است که *المختصر فی احوالات الأربعة عشر* نام دارد.<sup>۴</sup> قبر او در جزیره نبی صالح، یکی از روستاهای زیبای بحرین کنونی قرار دارد که مدفن شمار زیادی از علمای شیعه نیز هست.<sup>۵</sup>

محمد بن محمد بحرانی: شیخ قوام‌الدین محمد بن محمد بحرانی، فقیه و ادیب عصر عیونی است که از سید فضل‌الله راوندی حدیث روایت کرده است.<sup>۶</sup> شیخ حرّ عاملی در کتاب *امل الآمل* در وصف ایشان می‌گوید: «كان فاضلاً اديباً صالحاً يروي عن السيد فضل الله الراوندي.»<sup>۷</sup>

علی بن سلیمان بحرانی (۶۷۲ ق): وی فیلسوف، متکلم و محدث شیعی اهل ستره بحرین است که در همانجا به تحصیل علم پرداخت.<sup>۸</sup> از مشهورترین استادان وی کمال‌الدین بحرانی مشهور به ابن‌سعاده است که از او اجازه نقل روایت کرده است.<sup>۹</sup> ایشان در میان دانشمندان پس از خود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود؛ چنان‌که از او با القابی چون دانای علوم معقول و منقول، عالم ربانی، متکلم، عارف حکیم، دانای به قواعد حکما و صاحب صفات حسنه یاد شده است. بزرگان دیگری همچون صاحب *لؤلؤ*، محدث نوری در *مستدرک الوسائل* و فرزند شهید ثانی از بزرگی و عظمت علمی و اخلاقی او سخن گفته‌اند. از شاگردان او می‌توان ابن‌میثم بحرانی و علامه حلی را نام برد.<sup>۱۰</sup>

۱. صدر، *دائرة المعارف التشيع*، ج ۴، ص ۱۰۴.

۲. مدیرس، *الدولة العيونية*، ص ۱۹۶؛ حرّ عاملی، *امل الآمل*، ج ۲، ص ۱۱۷؛ شرعان، *تقود الدولة العيونی فی بلادالبحرين*، ص ۱۴۳؛ بحرانی، *انوار البدرين*، ص ۶۰ - ۵۸.

۳. همان، ص ۶۰ - ۵۹.

۴. آقابزرگ تهرانی، *الذريعة*، ج ۲۰، ص ۱۷۳.

۵. بحرانی، *انوار البدرين*، ص ۶۰ - ۵۹.

۶. همان، ص ۵۸؛ مدیرس، *الدولة العيونية*، ص ۱۹۶.

۷. حرّ عاملی، *امل الآمل*، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بحرانی، *انوار البدرين*، ص ۵۸.

۸. همان، ص ۶۱؛ صدر، *الشيعه و الفنون*، ص ۳۱۸.

۹. موسوی بجنوردی، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۱، ص ۳۸۵.

۱۰. همان؛ حرّ عاملی، *امل الآمل*، ج ۲، ص ۱۸۹؛ صدر، *دائرة المعارف التشيع*، ج ۳، ص ۱۰۳؛ بحرانی، *انوارالبدرين*، ص ۶۲ - ۶۱.

از آثار وی نیز می‌توان به اینها اشاره کرد: *رسالة الطیر، مفتاح الخیر، معراج السلطنة، منهاج الكرامة و النهج المستقیم علی طریقه الحکیم*<sup>۱</sup> و *اشارات فی علم الکلام* که بعدها خواجه نصیرالدین طوسی و ابن میثم بحرانی آن را شرح و بسط دادند.<sup>۲</sup>

ابن میثم بحرانی: کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی (۶۷۹ ق)<sup>۳</sup> محدث فقیه و متکلم مشهور شیعی در سده هفتم هجری<sup>۴</sup> در دولت عیونی است که در بیشتر علوم اسلامی همچون حکمت، کلام و عرفان صاحب نظر بود و آثار زیادی از خود به جا گذارد.<sup>۵</sup> وی در روزگار خود چندان شهرت داشته که او را با صفاتی چون فیلسوف، محقق، زبده الفقهاء و المحدثان و متکلم ماهر وصف کرده‌اند.<sup>۶</sup> او از محضر استادان بزرگی همچون نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر حلّی، سلیمان بحرانی و اسعد اصفهانی کسب فیض کرد<sup>۷</sup> و در حلّه به تدریس علوم عقلی و نقلی پرداخت.<sup>۸</sup> درس ایشان از درس‌های پررونق بوده؛ تا جایی که عالمان عراق و حله به چیره‌دستی او در علوم مختلف ادعان داشتند.<sup>۹</sup> ایشان با خواجه نصیرالدین طوسی نیز معاصر بوده و فقه را خواجه از محضر وی، و کلام را ایشان از محضر خواجه کسب فیض کرده است.<sup>۱۰</sup> میراث فکری ابن میثم در عراق و حلّه در امتداد مکتب کلامی و فقهی و عرفانی است که در نجف و حله به وجود آمد و به دست وی بارور شد و به شاگردانش منتقل گردید. حدود سی اثر را به او نسبت داده‌اند که همه آنها به بیان و ترویج عقاید مذهب امامیه می‌پردازد. در بین پژوهش‌های ابن میثم شرح *نهیج البلاغه* او از شهرت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع سه شرح، یعنی شرح کبیر، شرح وسط و شرح صغیر از این عالم بزرگ به یادگار مانده که امروزه مورد استفاده همه عالمان قرار گرفته و از منابع مهم این عرصه محسوب می‌شود. وی در این شرح نه تنها متن شریف *نهیج البلاغه* را از زوایای عرفانی و فلسفی نگریسته،

۱. همان؛ حر عاملی، *امل الآمل*، ج ۲، ص ۱۸۹؛ موسوی بجنوردی، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۱، ص ۳۸۴.
۲. صدر، *الشیعه و الفنون*، ص ۳۱۸.
۳. جوینی، *تاریخ جهانگشای جوینی*، ص ۵۵.
۴. مدیرس، *الدولة العیونیه فی البحرین*، ص ۱۹۴؛ موسوی بجنوردی، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۷۱۵، مدخل «ابن میثم».
۵. آشتیانی، *تاریخ مغول*، ص ۵۰۳؛ صدر، *الشیعه و الفنون*، ص ۳۱۹.
۶. موسوی بجنوردی، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۷۱۵، مدخل «ابن میثم».
۷. مدیرس، *الدولة العیونیه*، ص ۱۹۴.
۸. موسوی بجنوردی، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۷۱۵، مدخل «ابن میثم».
۹. پژوهش و حوزه، ش ۷، ص ۸۳.
۱۰. موسوی بجنوردی، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۷۱۶، مدخل «ابن میثم».

بلکه بسیاری از مبانی حکمی اصول فقه و اجتهاد شیعی را نیز تدوین کرده و به درجه‌ای از اعتلا رسانده است. همچنین در حوزه کلامی قواعد المرام فی علم الکلام از معروف‌ترین کتب اوست که بدون شک در ترویج معارف اهل بیت و آموزه‌های شیعی بسیار مفید و حائز اهمیت است.<sup>۱</sup> از آثار دیگر وی می‌توان به اینها اشاره کرد: معراج السماوی، البحر الخضم، استقصاء النظر فی امامة الائمة الاثنی عشر، مصباح السالکین، شرح المائة الکلمة از کلمات قصار حضرت علی علیه السلام، النجاة فی القيامة فی امر الامامة و رساله‌های فی الوحی و الهام، فی آداب البحث و الدر المثور.<sup>۲</sup> شاگردان فراوانی از محضر او کسب فیض کردند که از شاخص‌ترین آنان می‌توان به علامه حلی اشاره کرد.<sup>۳</sup> قبر ابن میثم در شهر منامه، زیارتگاه بحرینی‌هاست.<sup>۴</sup>

شیخ جمال‌الدین بن متوج بحرانی (۸۲۰ ق): وی از شاگردان برجسته و مبرز شیخ فخرالدین (فرزند علامه حلی) بود. برخی از آثار او عبارت است: رساله‌ای در آیات ناسخ و منسوخ، منهاج الهدایة فی شرح کتاب الأحکام، کفایة الطالبین فی اصول الدین و النهایة فی تفسیر خمس مائة آیه. وی اشعار بسیار و مراثی متعددی در شأن اهل بیت علیهم السلام سروده که به بیست هزار بیت می‌رسد و در دو جلد تدوین شده است.<sup>۵</sup>

شایان ذکر است که بعدها با غارتگری‌های پرتغالی‌ها در بحرین برخی از عالمان آل‌عصفور به بوشهر مهاجرت نمودند. شیخ حسن بن حسین مرجع دینی مردم بحرین از آن جمله است که در جریان پیاده کردن نیرو از سوب انگلیسی‌ها، به مقابله با آنان پرداخت.<sup>۶</sup>

#### ب) حمایت از شاعران محب اهل بیت علیهم السلام

در طول تاریخ، شعر از مهم‌ترین ابزار علمی و معنوی برای انتقال معارف و آموزه‌های دینی بوده است. در عهد عبّوسی نیز به شعر و ادب اهمیت زیادی داده می‌شد و شاعران بسیاری از عراق و یمن

۱. امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، ج ۲، ص ۴۳۷ - ۴۳۶؛ صدر، الشیعة و الفنون، ص ۳۱۹.
۲. همان، ص ۳۲۰ - ۳۱۹؛ حر عاملی، اصل الأمل، ج ۲، ص ۳۳۲؛ مدیرس، الدولة العبّوسیة، ص ۱۹۵ - ۱۹۴؛ آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۲۱، ص ۱۱۰، ج ۱۷، ص ۱۷۶، ج ۸، ص ۷۷ و ج ۲، ص ۳۲.
۳. آشتیانی، تاریخ مغول، ص ۵۰۳.
۴. امین، دائرة المعارف الاسلامیة الشیعة، ج ۷، ص ۴۰۸.
۵. اصفهانی افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۷۷.
۶. پیرمردیان، «بررسی و جایگاه و نقش خاندان شیعی عصفور در بوشهر»، بوم‌شناسی جهانی تشیع در حوزه خلیج فارس، ۱۳۹۴، ص ۲۹ - ۲۸.

به دربار عیونی رفت و آمد داشتند و هدایای فراوانی از ایشان دریافت می‌کردند؛<sup>۱</sup> چنان‌که شارح دیوان ابن‌مقرب در دوران امیری حسن عیونی در قطیف، حضور چهل شاعر را در مجلس او ثبت کرده است.<sup>۲</sup> بی‌تردید این حضور پر رنگ شاعران از نقاط مختلف بحرین و کشورهای همسایه، حاکی از نشاط فرهنگی و علمی و نیز علاقه حاکمان آل‌عیون به شعر و ادب بوده است. از مهم‌ترین شاعرانی که در این عصر می‌زیستند و محب اهل بیت علیهم‌السلام بودند، می‌توان به این افراد اشاره کرد:

ابن‌مقرب (۶۲۹ - ۵۷۲ ق): شیخ جمال‌الدین ابو‌عبدالله علی فرزند مقرب بن منصور عیونی از مهم‌ترین شعرای عصر عیونی است که در انتقال فرهنگ و آموزه‌های شیعی در قالب شعر همت وافر داشته است. وی از برجستگان خاندان عیون و از امرای شیعه در احساء بوده است<sup>۳</sup> که از ده سالگی شعر می‌سرود<sup>۴</sup> و در جوانی قدرت شگرفی در نظم شعر به دست آورد.<sup>۵</sup> ابن‌مقرب بر اثر اختلافات داخلی و خانوادگی بر سر قدرت، به بغداد رفت. آنگاه جمعی از فضلا به دور او گرد آمدند و از حوزه درسش بهره‌مند گشتند.

او صاحب دیوانی است که از بهترین منابع تاریخ دولت عیونی به شمار می‌آید.<sup>۶</sup> این اثر بازگوکننده اوضاع بحرین در عصر آل‌عیون است. وی می‌گوید: «حیات اقتصادی تأثیر بسزایی در حیات اجتماعی در شهرهای بحرین به جا گذاشت و احساء را به بستان‌هایش، قطیف را به تجارتش و اوال را به تجارت لؤلؤ و صید آن می‌شناختند.»<sup>۷</sup> دیوان او حاوی مطالب با ارزش لغوی، ادبی، اسلامی و اشارات تاریخی است.<sup>۸</sup> این دیوان اولین بار در سال ۱۳۰۷ ق در مکه با مقدمه‌ای در شرح حال او چاپ شده، ولی ناشر آن تمام اشعاری را که در مدح اهل بیت علیهم‌السلام و یا رثای سید الشهداء علیهم‌السلام بوده، از روی عناد با تشیع و یا به خاطر واهمه‌ای که داشته، حذف کرده است.<sup>۹</sup> البته در مذهب ابن‌مقرب سه

۱. مدیرس، *الدولة العيونیة فی البحرین*، ص ۱۸۳.
۲. شرعان، *تقود الدولة العيونیة فی بلاد البحرین*، ص ۶۷؛ عماری، *ابن‌مقرب و تاریخ الامارة العيونیة فی بلاد البحرین*، ص ۱۳۲.
۳. زرکلی، *الاعلام*، ج ۵، ص ۲۴؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۴۵، ص ۳۶۲؛ امین، *اعیان الشیعه*، ج ۸، ص ۳۴۷.
۴. امین، *اعیان الشیعه*، ج ۸، ص ۳۴۷؛ *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱، ص ۶۵۷.
۵. مدیرس، *الدولة العيونیة فی البحرین*، ص ۱۸۶.
۶. شرعان، *تقود الدولة العيونیة فی بلاد البحرین*، ص ۴۵.
۷. ابن‌مقرب، *دیوان ابن‌مقرب*، ص ۳۲۰؛ مدیرس، *الدولة العيونیة فی البحرین*، ص ۱۷۵ - ۱۷۴.
۸. همان، ص ۱۸۶.
۹. بحرانی، *انوارالبدرین*، ص ۳۹۵ - ۳۹۴؛ امین، *اعیان الشیعه*، ج ۸، ص ۳۴۸ - ۳۴۷.

دیدگاه وجود دارد: برخی او را زیدی و برخی دیگر وی را سنی معرفی کرده و قراینی را نیز بر مدعی خود اقامه کرده‌اند،<sup>۱</sup> ولی شواهدی وجود دارد که شیعه بودن ابن‌مقرب را تقویت می‌کند. از آن جمله است: مدح علمای شیعه، استفاده از واژه‌های امامت، وصیت، التشیع و الفتوة، وجود شعرهایی در رثای اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام، لعن بر قاتلان امام حسین علیه‌السلام، وجوب خروج بر سلطان ظالم و همچنین مدح‌های دیگر که بیشتر با عقاید امامیه سازگاری دارد.<sup>۲</sup> صاحب کتاب *انوار البدرین* در اوصاف ابن‌مقرب نوشته است: «وكان الشيخ ادیباً فاضلاً ذكياً أیباً شاعراً مصقماً من شعراء أهل البيت علیهم‌السلام و مادحهم المتجاهرین ذا النفس الایبه و الاخلاق المرضیة و الشیم المرضیة ...»<sup>۳</sup> از قصاید ابن‌مقرب در رثای سید الشهداء چنین است:

من ای خطب فادح نتألم      ولای مرزیة ننوح ونلطم  
یا باکیاً لدمنة و أربع      ابک علی آل النبی اودع<sup>۴</sup>

**موفق الدین البحرانی الاربلی (۵۸۵ ق):** وی در بحرین متولد شد و پدرش نیز تاجر و صادرکننده مروارید به عراق بود. او افزون بر شعر و ادب، در علم عروض و قوافی نیز سرآمد بوده و بهترین دیدگاه‌ها را در این فن داشته است. از او دیوان و رسائلی نیز باقی مانده است. همچنین وی بر علم فلسفه و کتاب *اقلیدس* در هندسه تسلط فراوانی داشته است.<sup>۵</sup>

**علی بن الحسن العبدی (۵۹۹ - ۵۲۴ ق):** او که در بصره متولد شد، شاعری با ادب، بلیغ و خوش‌ذوق بود و بهترین شعرها را می‌سرود. وی در بحرین سال‌های زیادی را در دوران حکومت عیونی در رفت‌وآمد بوده است. مردم از او به بزرگی یاد کرده و او را در علم قوافی چیره‌دست دانسته‌اند. شاعران بزرگی چون سکونی العبدی نیز در محضر او شاگردی کرده‌اند.<sup>۶</sup>

از دیگر شعرا می‌توان به این افراد اشاره کرد: السکونی العبدی، از شعرای قرن ششم هجری و متولد قطیف، حسین بن ثابت العبدی (۵۵۰ ق) متولد قطیف که در بحرین می‌زیست و سپس به

۱. جاسم المناعی، *ابن‌مقرب العیونی حیاة و شعره*، ص ۶۶؛ مدیرس، *الدولة العیونیة فی بلاد البحرین*، ص ۱۸۲؛ شرعان، *التقود الدولة العیونیة*، ص ۲۰۳.

۲. همان؛ عماری، *ابن‌مقرب و تاریخ الامارة العیونیة فی بلاد البحرین*، ص ۱۹۶ - ۱۷۵.

۳. بحرانی، *انوار البدرین فی تراجم علما القطیف و الاحساء و البحرین*، ص ۳۹۴.

۴. همان، ص ۳۹۵.

۵. مدیرس، *الدولة العیونیة فی البحرین*، ص ۱۸۶.

۶. همان، ص ۱۸۸.

عمان رفت و در همانجا درگذشت؛<sup>۱</sup> محمد بن المغیث الحنفی که بر قواعد و اصول لغات عربی اشراف داشت و به سرودن شعر در قالب‌های غزل و مدح بسیار اهتمام می‌ورزید. شعرهای زیادی از او به جا مانده است. از تاریخ تولد و وفاتش به صورت دقیق اطلاعی در دست نیست، اما به احتمال بسیار، او در عصر ابی‌سنان محمد عیونی می‌زیسته است.<sup>۲</sup>

### ج) ساخت و احیای آثار اسلامی - شیعی

۱. ساخت و احیا مساجد و مدارس: امرای عیونی برای ترویج فرهنگ علوی - شیعی نسبت به ساخت و احیای مدارس و مساجد اهتمام ویژه‌ای داشتند. البته امروزه اثری از آنها نیست، ولی در لابه‌لای کتب تاریخی به خدمات فرهنگی آن عصر به اختصار اشاره شده است. صاحب کتاب *بلاد البحرین* در عصر عباسی می‌گوید: در عصر عیونی به ساختن مسجد و ترمیم مساجدی که در روزگار قرامطه تخریب شده بود، اهتمام ورزیده می‌شد. همچنین برای تدریس علوم عربی و شرعی که صبغه شیعی داشته باشد، مدارس دینی ایجاد می‌کردند؛ ضمن اینکه در این مدارس به حفظ قرآن نیز پرداخته می‌شد.<sup>۳</sup> از مهم‌ترین مساجد این عصر، مسجد سوق الخمیس است. این مسجد در جزیره اوایل<sup>۴</sup> و در جنوب غربی دماغه رمان در منامه ساخته شده بود و چون در پنج‌شنبه بازار قرار گرفته، به این عنوان شهرت یافته است. بنای این اثر به اواخر قرن پنجم هجری بازمی‌گردد. حک کردن اسامی ائمه علیهم‌السلام بر سنگ‌های نصب‌شده بر مسجد، حاکی از تشیع سازندگان و نیز نمازگزاران آن است.<sup>۵</sup> در گزارش اغراق‌آمیزی آمده است: در بعضی اوقات در مسجد خمیس حدود سیصد عالم دینی به نماز جماعت حاضر می‌شده‌اند.<sup>۶</sup> این امر نشان از اجتماع اهل علم و تأثیر آنان در رشد و شکوفایی علمی و نیز آشنایی مردم با مبانی شیعه در دوران عیونی است. در مسجد جامع الرافعیه نیز که در جنب بازار سوق الخمیس بنا شده، در کتیبه‌ای نام پنج تن آل عبا حک شده است.<sup>۷</sup> تجدید الجامع المنارتین در اوایل و

۱. همان، ص ۱۹۱ - ۱۹۰.

۲. همان، ص ۱۸۶.

۳. بلوشی، *بلاد البحرین فی عصر العباسی الثانی*، ص ۱۵۸؛ محمود خلیل، *آل‌ابراهیم العیونین فی بلاد البحرین*، ص ۱۱۴ - ۱۱۳.

۴. مدیرس، *الدولة العیونیه فی البحرین*، ص ۱۷۵.

۵. امین، *دائرةالمعارف الاسلامیه الشیعه*، ج ۷، ص ۴۰۴ - ۴۰۳.

۶. بحرانی، *انورالبدین*، ص ۵۰.

۷. گلی زواره، «جوانه‌های تشیع در بحرین»، *فلسفه و کلام*، (درس‌هایی از مکتب اسلام)، ش ۱۳، خرداد ۱۳۹۱.



ساخت و یا تعمیر برخی مساجد قدیمی، از دیگر اقدامات امرای آل عیون بوده است.<sup>۱</sup>

۲. **احیای امر به معروف و نهی از منکر:** برخی از امیران عیونی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اهمیت زیادی می‌دادند. آنها احکام الهی را جاری کرده، با بدعتها و گناهانی که از زمان قرامطه در بین مردم به جا مانده بود، مقابله و گنهکاران را تنبیه و آثار و مکان‌هایی را که جلسات گناه در آنها برگزار می‌شد را تخریب می‌کردند.<sup>۲</sup> نابودی «ماشوش»، مکانی که در آن رقص و پایکوبی مختلط زنان و مردان در اول محرم برگزار می‌شد از آن جمله است<sup>۳</sup> که به دستور عبدالله عیونی (از امرای قدرتمند آل عیون) تخریب شد.<sup>۴</sup>

#### د) تعامل محافل علمی بحرین با کانون‌های شیعی در عراق

عالمان بزرگی از بحرین در فقه، حدیث، شعر و ادب، فلسفه و حکمت در این عصر رشد کردند<sup>۵</sup> و شاگردان فراوانی در بحرین و عراق تربیت نمودند که منشأ برکات فراوانی برای جهان تشیع شد. طلاب بحرینی برای تقویت بنیه علمی خود به مراکز فقهی جعفری در عراق و ایران هجرت می‌کردند<sup>۶</sup> و موجب ترویج فرهنگ شیعه و اعتلای آن می‌شدند. افرادی همچون ابن میثم بحرانی از این جمله‌اند. وی از عالمانی است که با حوزه‌های شیعه عراق تعامل بالایی داشته است. به عبارتی وی حلقه اتصال تشیع بحرین و عراق عجم است؛ چنان‌که محافل علمی وی در عراق مشهور و معروف است.<sup>۷</sup> در ابتدای کتاب *شرح نهج البلاغه* آمده: زمانی که ابن میثم در بحرین خانه‌نشین بوده، علمای حله نامه‌ای برای او نوشتند و او را برای تدریس در حله دعوت کردند.<sup>۸</sup>

۱. آل ملا، *تاریخ الاماره العیونیه*، ص ۵۶ - ۵۱.

۲. مدیرس، *الدولة العیونیه فی البحرین*، ص ۱۷۵.

۳. همان، ص ۱۷۶؛ ابن مقرب، *دیوان ابن مقرب*، ص ۱۳؛ محمود خلیل، *آل ابراهیم العیونین فی بلاد البحرین*، ص ۱۱۴. در منابع کهن، از لیلۃ الماشوش برای مسیحیان نسطوری یا جز آنها یاد شده است که در عید مخصوصی، زن و مرد اجتماع کرده، و در تاریکی با یکدیگر در می‌آمیزند. در این باره مقالات مختلفی در مجلات، منتشر شده است. این داستان، بعدها، از مسیحیان به مسلمانان سرایت کرد و برخی علیه برخی دیگر استفاده می‌کردند. به طوری که چندین مورد همین مطلب درباره قرامطه گفته شد. بعدها، ناصبی‌های متعصب ضد شیعی، این مطلب را به شب عاشورا نسبت داده و برای شیعیان بکار بردند که هم اکنون هم در برخی از وبسایت‌های آنها این مطالب درج شده است.

۴. عماری، *ابن مقرب و تاریخ الاماره العیونیه فی بلاد البحرین*، ص ۳۷؛ محمود خلیل، *آل ابراهیم العیونین فی بلاد البحرین*، ص ۱۱۵؛ ابن مقرب، *دیوان ابن مقرب*، ص ۴۴۳.

۵. مدیرس، *الدولة العیونیه*، ص ۱۷۷.

۶. همان، ص ۱۹۶ - ۱۹۵.

۷. حر عاملی، *امل الآمال*، ج ۲، ص ۱۳۲؛ شرعان، *تقودالدولة العیونیه فی بلاد البحرین*، ص ۱۴۳ - ۹۵.

۸. مدیرس، *الدولة العیونیه*، ص ۱۹۶.

ه) ضرب سکه به نام امام علی علیه السلام

از کارهای مهمی که امیران عیونی به آن اهتمام داشتند، ضرب سکه با شعارهای سیاسی - دینی و حک کردن نام امامان بر آن بوده است. در سال ۵۴۴ ق حسن بن عبدالله عیونی به ضرب سکه پرداخت.<sup>۱</sup> بر روی برخی سکه‌های یافت‌شده مربوط به عصر آل عیون در بحرین، نام پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی و دیگر اهل بیت علیهم السلام حک شده بود که بیانگر وجود دولت شیعی صاحب نفوذ در داخل و خارج از بحرین و مستقل از دولت عباسی است.<sup>۲</sup> یکی از عباراتی که بر روی این سکه‌ها حک شده بود، عبارت بود از: «لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله» که برگرفته از تفکر علوی آنها بود؛ تفکری که منشأ آن اعتماد به آیاتی همچون «انما وليكم الله ورسوله ويا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك ...» و روایات منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.<sup>۳</sup> این تفکرات که «خداوند اطاعت و پذیرش ولایت حضرت علی علیه السلام را بر همه انسان‌ها واجب کرده و اگر پیامبر صلی الله علیه و آله ولایت آن حضرت را به آیندگان ابلاغ نکند، دین ناقص می‌ماند»، باعث شد که دولت عیونی برای ترویج عقاید علوی و مذهب تشیع به ضرب سکه روی بیاورد.<sup>۴</sup> ضرب نقش «علی ولی الله» بر روی سکه، از یک سو اعلان صریح مذهب امامیه توسط حاکمان عیونی، و از سوی دیگر باعث نشر افکار و عقاید مذهب امامیه در بین مردم شهرهای بحرین بوده است. البته بر سکه‌های دولت عیونی عبارات دیگری نیز ضرب می‌شد؛ همچون «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ...» و «قل هو الله احد الله صمد ...» که حاکی از تفکرات درونی آل عیون در آن عصر بوده است.<sup>۵</sup> حک شدن نقش علی ولی الله و نقش نبستن اسم خلیفه عباسی بر روی سکه‌ها از یک سو حاکی از اختلاف مذهبی بین دولت عیونی و عباسی، و از سوی دیگر نشان از استقلال دولت عیونی است.<sup>۶</sup>

## نتیجه

بحرین قدیم سرزمینی وسیع حد فاصل بصره تا عمان بوده که پیش از اسلام در محدوده قلمرو ایران قرار داشته است. ساکنان آن نیز ترکیبی از عرب، ایرانیان، زُطّ و سیبایجه بودند که وضعیت اقتصادی

۱. شرعان، *تقود الدولة العیونیه فی بلاد البحرین*، ص ۱۵۱ - ۱۵۰.

۲. بنگرید به: همان، ص ۲۰۰ - ۸۷.

۳. مرکز مصطفی، آیات الغدیر.

۴. بنگرید به: مدیرس، *التقود العیونیه*، ص ۱۹۷ - ۱۶۵.

۵. بنگرید به: همان، ص ۲۰۶ - ۲۰۳.

۶. همان، ص ۲۰۹.

مطلوبی داشتند. غالب مردم بحرین در عصر رسول الله ﷺ مسلمان شدند و اهل کتاب آنجا که مسلمان نشدند، با پرداخت جزیه در صدر اسلام خود را تحت الحمایه دولت اسلامی قرار دادند. قدمت تشیع در بحرین به صدر اسلام باز می‌گردد. حضور برخی کارگزاران محب اهل بیت ﷺ از جمله ابان بن سعید بن العاص به‌عنوان کارگزار رسول الله ﷺ در بحرین و حضور والیان منصوب از ناحیه امام علی ﷺ و نیز گرایش‌های شیعی قبیلہ عبدالقیس، از جمله عواملی است که در گسترش تشیع در بحرین مؤثر بوده است. فعالیت شیعیان در بحرین موجب تأسیس دولت‌های شیعی از قرن چهارم به بعد شد که گاهی با استقلال کامل و گاهی به صورت وابسته به قدرت‌های همجوار حکومت کردند. آل عیون از این جمله است که از جهات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دوره اعتلا و پر رونقی داشته است. همچنین این دولت در ترویج مذهب تشیع در بحرین و مناطق پیرامونی آن نقش بسزایی ایفا کرده است.

از ضرب سکه به نام امام علی ﷺ و اهل بیت ﷺ برمی‌آید که این دولت به ارتباط با دولت عباسی علاقه‌ای نداشته است. عدم درج نام خلیفه عباسی بر سکه‌های آنها مؤید این مدعاست. افزون بر این، قراین بسیاری حاکی از این است که مذهب رسمی دولت عیونی، شیعه دوازده امامی بوده است. در این دوره نشاط فکری بر بحرین حاکم بوده و شاعران و ادیبان بزرگی همچون ابن مقرب، عالمانی چون ابن میثم بحرانی و محدثان و دیگر اندیشوران حضوری فعال داشته و در گسترش فرهنگ اهل بیت ﷺ و تشیع نقش سترگی ایفا کرده‌اند.

## منابع

۱. آل ملا، عبدالرحمن بن عثمان، *تاریخ الامارة العیونیه فی شرق الجزيرة العربیه*، کویت، بی‌نا، ۱۴۲۳ ق.
۲. ابن مقرب، *دیوان ابن مقرب*، مکه، بی‌نا، بی‌تا.
۳. اسلامی، رضا، «خاستگاه تشیع در بحرین»، *هفت آسمان*، ش ۲، تابستان ۱۳۷۸.
۴. اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۵. امین، سید حسن، *دائرة المعارف الاسلامیه الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق.
۶. امین، سید محسن، *أعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶ ق.
۷. انصاری احسائی، محمد، *تحفة المستفید*، تحقیق حمد جاسر، ریاض - احساء، بی‌نا، ۱۴۰۲ ق.
۸. ایمن بن سعد النفجان، *من اخبار شرق الجزيرة العربیه فی ثلاثة قرون من ۶۰۰ الی ۹۳۰ ق*، عمان، بی‌نا، ۱۴۳۶ ق.

- ۲۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ، س ۷، زمستان ۹۵، ش ۲۵
۹. بحرانی، علی، *انوار البدرین فی تراجم علما القطیف و الاحساء و البحرین*، تحقیق محمدعلی محمدرضا الطبسی، نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۷۷ ق.
۱۰. بلاذری، احمد، *انساب الاشراف*، تحقیق، محمداقبر محمودی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ ق.
۱۱. تهرانی، آقابزرگ، *الذریعة*، بیروت، دارالاضواء، بی تا.
۱۲. جعفریان، رسول، *اطلس شیعه*، بی جا، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چ ۱، ۱۳۹۱.
۱۳. جوینی، عطاملک، *تاریخ جهانگشای جوینی*، تهران، دستان، ۱۳۸۵.
۱۴. حداد عادل، غلامعلی، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع، ۱۳۸۹.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *امل الآمل*، تحقیق سید احمد حسینی، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۶۲.
۱۶. حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
۱۷. خلیفه، مجتبی، «مناسبات ملوک بنی قیصر کیش و حکام عیونی بحرین» *مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۱۱، زمستان ۱۳۹۰.
۱۸. ذهبی، شمس الدین، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. رحمتی، محمد کاظم، *تشیع، تاریخ و فرهنگ: فرهنگ و تمدن / کلیات*، قم، مورخ، ۱۳۹۵.
۲۰. زرکلی، خیرالدین، *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹.
۲۱. سامی جاسم، عبدالعزیز المناعی، *ابن مقرب العیونی حیاتہ و شعره*، بی جا، جامعة القطر، ۱۴۰۲ ق.
۲۲. شرعان، نایف بن عبدالله، *نقود الدولة العیونیه فی بلاد البحرین*، بی جا، مرکز الملك فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیه، ۱۴۲۳ ق.
۲۳. صدر، احمد، *دائرة المعارف التشیع*، تهران، مؤسسه دائرة المعارف التشیع، ۱۳۷۱.
۲۴. صدر، حسن، *الشیعة و الفنون*، قم، مؤسسه السبطين، بی تا.
۲۵. عماری، فضل، *ابن مقرب و تاریخ الامارة العیونیه فی بلاد البحرین*، ریاض، مكتبة التوبة، بی تا.
۲۶. گلی زواره، غلامرضا، «جوانه های تشیع در بحرین»، *فلسفه و کلام* (درس های از مکتب اسلام)، ش ۶۱۳، خرداد ۱۳۹۱.

بررسی جایگاه دولت آل عُیون و نقش آن ... □ ۲۷

۲۷. محمود خلیل، محمد، آل ابراهیم العیونیین فی بلاد البحرین، قاهره، مكتبة الشقافة الدینیة، ۱۴۲۸ ق.

۲۸. مدیرس، عبدالرحمن، الدولة العیونیه فی البحرین، ریاض، داره الملك عبدالعزیز، ۱۴۲۲ ق.

۲۹. مقدسی، محمد بن احمد، أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، القاهرة، مكتبة مدبولی، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱.

۳۰. موسوی بجنوردی، کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱.

۳۱. ناصر خسرو، سفرنامه، تحقیق یحیی الخشاب، بی جا، بی نا، ۱۹۸۳.





پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ